

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۶۰-۲۷۶

بررسی مصادیق کلامی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران

سجاد شاه ملکی^۱

چکیده

چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران همزمان شد با بیانیه مهم و با اهمیتی، با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در این بیانیه که آن را خطاب به همه ملت ایران منتشر کردند، به نوعی نقشه راه و اصول کلی جامعه و تمدن اسلامی را تبیین کرده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب در دو بخش جداگانه، ابتدا به تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در هفت بند پرداخته و پس از آسیب‌شناسی و عنوان کردن ناکامی‌ها و بن بست‌های مسیر انقلاب، با نگاهی امیدوارانه و نویدبخش، توصیه‌های هفتگانه‌ای را به منظور حفظ کیان انقلاب اسلامی و تضمین آینده‌ای روشن و هدفمند ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری (حفظه الله) در این بیانیه، ارائه و تبیین شاخصه‌های یک تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که مد نظر ایشان است، باید بتواند در برابر تمام شبهه‌های عقلانی نسل جوان پاسخگو باشد. یکی از راه‌کارهای اساسی برای این امر، تبیین پایه‌های معنوی آن است. روش اجرای این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است؛ گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. این پژوهش در پایان اثبات می‌کند که همه محورهای هفتگانه در بیانیه مطابق خواست فطری انسان و مستند به مبانی کلامی شیعی است. از این رو، نگارنده بر آن شده است که با تحلیل ریشه‌های کلامی (توحید و امامت)، ابعاد مختلف عقلانی و منطقی آن را روشن کند. در پژوهش پیش رو، توحید و نقش آن در تبیین این بیانیه تحلیل شده است.

کلید واژه: بیانیه گام دوم، مصادیق کلامی، انقلاب اسلامی

۱. کارشناسی ارشد، رشته مدرسی معارف، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، شهر همدان؛ طلبه مشغول به تحصیل در مقطع سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده مسؤل، shahmlkysjad59@gmail.com

مقدمه

مسائل اجتماعی در جوامع، همواره بین وضع موجود و وضع مطلوب مانع ایجاد می‌کنند و آحاد ملت را از دستیابی به آرمان‌های جامعه و تفکر حاکم بر اصول آن محروم می‌کند. از این رو در جوامع پیش رو، سردمداران و تصمیم سازانش به طراحی برنامه و چشم‌اندازی عملیاتی می‌پردازند تا مردم از یکنواختی و روزمرگی بیرون بیایند و همچنان بالنده طی مسیر کنند. بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم، نوشته «سیدعلی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلیمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد و... تبیین کرد. مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان به عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب، به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی و نقشه راه آینده کشور، ضمن آسیب‌شناسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت چهل سال گذشته کشور، به ارائه راه‌کارها و مسیرهایی روشن برای نسل‌های آینده پرداخته و اهداف مسیر پیش روی انقلاب اسلامی را برای نسل حال و آینده به روشنی بیان کرده است. در این پژوهش، مبانی کلامی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

معنای لغوی و اصطلاحی علم کلام

در لغت نامه دهخدا، در تعریف مفهوم لغوی علم کلام، این‌گونه آمده است: «سخن یا سخن با فایده‌ای که بنفسه کفایت کند. اسم جنس است و بر قلیل و کثیر واقع شود. و در تعریف آن گفته‌اند که، صفتی که جاندار بتواند آنچه را در خاطر دارد به وسیله اصوات مقطعه و یا کتابت و یا اشاره اعلام دارد. گفتار یا گفتاری که بنفسه کفایت کند و در حقیقت معنایی است قائم به ذهن چنان که گویند فی نفسی کلام «آمدی» و جمع دیگر گویند: کلام جز معنای قائم به ذهن نیست و آن چیزی است که آدمی به هنگام امر و نهی کردن و خبر دادن و استفهام کردن آن را در ذهن خود می‌یابد و با عبارت یا اشاره مخاطب را بدان آگاه می‌سازد و اصول کلام [أ ل ک] (ترکیب اضافی، مرکب) عبارت است از؛ مسائل علم کلام که در آن مطالب علم نقلی را به دلایل عقلی ثابت کنند». (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹ / ۲۹۹).

ایچی در کتاب «المواقف» می‌گوید: «علم کلام، علمی است که به وسیله آن، می‌توان با ایراد دلایل و دفع شبهات، عقاید دینی را اثبات نمود، و با اقامه براهین قاطع و روشن، خصم را الزام داد». (ایچی، ۱۳۹۳، ۳۵-۳۴) ابن

خلدون در «مقدمه»، علم کلام را چنین تعریف می‌کند: «کلام، علمی است که به وسیله ادله عقلی، عقاید ایمانی و دینی را اثبات می‌کند و دلایل گروهی از پیشینیان را که در اعتقادات خویش راه خطا پیموده‌اند، رد می‌کند». (ابن خلدون، ۱۳۹۱، ۴۵۸) «به طور کلی، علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم، تبیین معارف و مفاهیم دینی پرداخته و بر اساس شیوه‌های مختلف استدلال، اعم از برهان، جدل، خطابه و... گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراضات و شبهات مخالفان دینی پاسخ می‌دهد. هدف علم کلام آن است که متعلمان را از مرحله تقلید، به مرتبه یقین برساند و برای ارشاد طالبان حقیقت، دلایلی ارائه نماید و علیه مخالفان، براهینی اقامه کند و عقاید اسلامی را از تزلزلی که ممکن است توسط شبهات دشمنان دین، ایجاد شود». (مردانی، ۱۳۸۳، ۵۵)

معنای لغوی و اصطلاحی انقلاب

واژه انقلاب در لغت به معنای «برگردیدن، واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳/ ۳۷۸) و برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، زیر و رو شدن و تغییر و تحول است». (معین، ۱۳۸۶، ۲۰۸) به‌طور کلی «انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است». (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۲۰).

یکی از انقلاب‌هایی که در قرن بیستم رخ داد، «انقلاب اسلامی ایران» بود. «انقلاب اسلامی ایران با شعارهای جهانی، فطری و درخشان بعد از چهل سال در اوج دشمنی مستکبران عالم در حالی گام به دهه پنجم حیات خود می‌نهد که مرحله نظام‌سازی خود را بدون خموشی سپری و از قدرت، استحکام و پیشرفت‌های شگرفی برخوردار است و می‌تواند برای آینده بلندمدت خود برنامه‌ریزی کند و با ترسیم نقشه چهل سال آینده خود و با گذر از همه چالش‌های پیش‌رو، سربلندانه به ملت خود و همه ملت‌های آزادی‌بخش جهان نوید سعادت، امید و حرکت پر افتخار به سمت قله‌ها را دهد و با افتخار، تا ابد از نظریه نظام انقلابی دفاع کند. انقلاب یک حقیقت ماندگار و دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی. دگرگونی‌های عمیق، ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید. انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که یک سو کشور در اختیار سردمداران و دولت‌مردان طاغوتی و فاسد بود و از سوی دیگر، در بیشتر حوزه‌های اداره امور کشوری و لشگری، اوضاع به سامانی حاکم نبود. ملت ایران در اثر سیاست‌های سکولار و غرب‌گرایانه حکومت پهلوی، از داشته‌ها و اندوخته‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خویش، تهی شده بود». (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۰۱).

بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم، نوشته «سیدعلی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلیمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد و... تبیین کرد. مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان به عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب، به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی و نقشه راه آینده کشور، ضمن آسیب‌شناسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت چهل سال گذشته کشور، به ارائه راه‌کارها و مسیرهایی روشن برای نسل‌های آینده پرداخته و اهداف مسیر پیش روی انقلاب اسلامی را برای نسل حال و آینده به روشنی بیان کرده است. در این بیانیه، نحوه عملکرد مجموعه انقلاب اسلامی در پیروی از این مفاهیم و اصول، طی چهل سال اول توسط رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، آسیب‌شناسی شده است. . مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بخشی از بیانیه با تصریح این تغییرناپذیری می‌فرماید: «انقلاب اسلامی همچون، پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انعطاف نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>).

مصادیق کلامی بیانیه گام دوم انقلاب

شاخصه توحید بیانیه گام دوم انقلاب

توحید به عنوان ریشه درخت اسلام است و دیگر تعالیم اعتقادی، اخلاقی و عملی به عنوان شاخ و برگ و یا میوه آن محسوب می‌شوند. توحید، بدنه اساسی تفکر اسلام و به عبارتی، بنیان مذاهب اسلامی است. این اعتقاد در بیشتر شاخه‌های علوم اسلامی مورد مذاقه قرار گرفته است. (سبحانی، ۱۴۱۱، ۱۰۵).

واژه «توحید»، مصدر باب «تفعیل» به معنای یگانه دانستن به کار رفته؛ به گونه‌ای که در مفهوم آن افراد و یگانگی لحاظ شده است. ریشه توحید که «وحد» است و «وحدت» از آن مشتق می‌شود، به معنای افراد است. از این رو، «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۵۱).

«یکی از شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های توحید افعالی، "توحید اطاعتی و ولایتی" است. این توحید جنبه سیاسی دارد. افرادی که به توحید صفاتی، ذاتی و افعالی معتقدند و کسانی که عبدیه معبودند و آوای یک معبود را دارند چنین افرادی باید معتقد باشند بین عبودیت و سیاست تفکیک و جدایی نیست خط مشی سیاسی آنها را ایدئولوژی آنها تشکیل می‌دهد. یک انسان از نظر ایدئولوژی موحد باشد، اما از نظر سیاسی اطاعت از طاغوت کند و نمی‌شود نماز را برای خدا بخواند و اقتصادش را از سوسیالیست‌ها الهام بگیرد، چنین شخصی که دارای این نوع طرز فکر است، موحد نیست، بلکه مشرک است. امکان ندارد بین این پنج توحید تفکیک حاصل شود». (شاهدی، ۱۳۸۳، ۳۱).

توحید اطاعتی و ولایتی (حاکمیت)

توحید صرفاً اعتقاد نظری خنثی و بی اثر نیست، بلکه در حوزه‌های گوناگون انسانی بر رفتارهای فردی و اجتماعی بشر تأثیرگذار است. یکی از حوزه‌هایی که از اعتقاد به توحید متأثر می‌شود، «سیاست و روابط سیاسی، حاکمیت و کم و کیف آن» است. مهم‌ترین دستاورد اندیشه توحیدی در حوزه سیاست به طور خلاصه این است که نظامات سیاسی جامعه اسلامی باید در نهایت، حضور خداوند را در تمام تصمیم‌سازی‌های کلان، مد نظر داشته باشد. در بسیاری از آیات قرآن کریم، حاکمیت واقعی و کامل، به خداوند متعال نسبت داده شده است. برخی از این آیات عبارتند از: ۱- «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یوسف / ۴۰) حکومت، جز از آن خدا نیست، فرمان داده است که فقط او را بپرستید. این آیین استوار است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ۲- «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (آل عمران / ۲۶) بگو، بارالها مالک حکومت‌ها تویی؛ تو هستی که به هر کس بخواهی حکومت می‌بخشی و از هر کس بخواهی حکومت را می‌گیری، هر کس را بخواهی عزت می‌دهی و به هر کس بخواهی ذلت، تمام خوبی‌ها به دست توست، زیرا تو بر هر چیزی قادری. ۳- «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (بقره / ۲۷۴) خداوند ملکش (حکومتش) را به هر کس که بخواهد می‌بخشد و خداوند (احسانش) وسیع، و (او) آگاه است. ۴- «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ»؛ (فاطر / ۱۳) کسانی را که جز او می‌خوانید، حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالکیت ندارند. ۵- «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ»؛ (ص / ۲۶) ای داوود، ما تو را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار دادیم، پس بین مردم به حق داوری کن و از هوی و هوس بپرهیز. ۶- «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»؛ (مائده / ۴۴) هر کس به احکامی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر

است. (خسروپناه، ۱۳۹۱، ۱۳۱) «حکومت به معنای سلطه، و حاکم به معنای صاحب سلطه و قدرت است که می خواهد به نظم امور بپردازد. هر حاکمی، یک گونه ولایت دارد که بر اساس آن درباره اموال و نفوس مردم تصمیم می گیرد و دستور می دهد. وقتی خالقیت و ربوبیت حق تعالی ثابت شد، طبق برهان عقلی، جز خدای سبحان، احدی حق حاکمیت بر انسان ها را ندارد، زیرا همه انسان ها از این جهت یکسان اند؛ پس حق حاکمیت و مالکیت فقط از آن خدا و کسانی است که از ناحیه او مأذون باشند». (خسروپناه، ۱۳۹۱، ۱۲۲)

نقش اعتقاد به توحید در حاکمیت اسلامی

در دین مبین اسلام، حق قانون گذاری و ولایت تکوینی ابتدا از آن خداوند است و در مرحله بعد حق کسانی است که خداوند، صلاحیت حکومت داری را به آنان تفویض کرده و پیروی و اطاعت از ایشان را واجب کرده است. بنابراین مبنای حق در حاکمیت فرمان الهی است و هر حاکمی که بدون فرمان الهی حاکم شود نامشروع بوده و اطاعت از او واجب نیست. اعتقاد به تمام مراتب توحید، به خصوص ربوبیت و ولایت تشریحی، بدون اعتقاد به حکومت دینی امکان پذیر نیست و حکومت دینی هم یعنی اجرای تشریح خداوند در جامعه توسط کسی که از طرف خداوند صلاحیت او تأیید شده است. با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می شود که تنها باید از خداوند اطاعت کرد و اطاعت غیر از خدا شرک و نامشروع است چون هر حاکمی که با فرمان الهی حاکم نشود، مشروعیت ندارد به غیر از حاکمیت انبیا و ائمه (صلوات الله علیهم) که چون اطاعت از آنها در طول اطاعت خداوند است یا به نوعی تجلی ذات اوست، لذا اطاعت از آنان اطاعت خدا محسوب می گردد و حاکمیت آنها با توحید در اطاعت منافات ندارد. به غیر خدا و انبیا و ائمه (صلوات الله علیهم)، حق حاکمیت در دین اسلام بر عهده کسانی است که از سوی خداوند در اجرای حاکمیت مأذون هستند این اشخاص در زمان غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)، دارای شرایط هستند که باید طبق معیارهای عقلی و نقلی مشخص گردد. در اینکه شرایط حاکمیت در زمان غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) بر عهده چه کسانی است و بر چه اساسی اعمال می شود، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. «برخی گفته اند چون حاکم دارای علم و شخصیت ممتاز اجتماعی است، حق اعمال حاکمیت را دارا است و برخی دیگر گفته اند چون مردم حاکمیت خود را به زمامداران واگذار نموده اند، حق حاکمیت دارند (قرارداد اجتماعی) و عده ای نیز گفته اند چون زمامدار با زور و غلبه بر مردم تحمیل شده، حق حکومت پیدا می کند، اما آنچه که از ادله عقلی و نقلی استفاده می شود این است که حق حاکمیت زمامدار مبتنی بر این است که او برخوردار از حقی مشروع است و مرئوسین هم به آن اعتراف دارند که در مورد حاکمیت غیر خداوند، این حق مشروعیت از راه فرمان و اذن الهی حاصل می گردد، وگرنه نامشروع است. حاکمیت که به معنای تسلط بر جان و مال انسان ها و اداره امور جامعه است نیز در شأن

خداوند است. بر اساس دین مبین اسلام، تنها حاکم مستقل و حقیقی اوست و حاکمیت دیگران تنها در سایه اذن الهی اعتبار دارد. بنابراین چون حق قانون‌گذاری، تشریح، اعمال و اجرای قوانین (حاکمیت) از آن او است، دیگران نمی‌توانند در مقابل خداوند چنین مقامی را به دست بیاورند، بلکه باید به اذن و اراده او باشد. «خداوند علاوه بر صفات کمال، مبدأ وقوع افعال نیز می‌باشد. آفرینش، روزی‌دادن، تدبیر امور مخلوقات، بخشایش و... در زمره افعال الهی قرار می‌گیرند. همچنین تنها مؤثر حقیقی و مستقل در عالم، ذات خداوند است و جز او هیچ موجود دیگری، فاعلیت تام و مستقل ندارد و مابقی همه به صورت غیر مستقل هستند. توحید افعالی از نظر قرآن کریم یعنی هیچ مؤثر مستقلی در عالم، غیر از خداوند نیست». (ربانی‌گلپایگانی، ۱۳۳۴، ۶۳).

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) با اشراف بر این حقیقت که تفکر توحیدی در روح و ذات جوانان این سرزمین نهادینه شده است و با توجه به اینکه خاستگاه اولیه انقلاب اسلامی، برپایی عملی حکومت اسلامی است، ساز و کار رسیدن به فطرت ثانویه جامعه در راستای فطرت توحیدی را تبیین و شاخصه‌های جامعه در تمدن‌سازی اسلامی، بر اساس بنیاد توحید، الهیات و معرفت توحیدی را برای جوانان بیان می‌کنند، تا اهمیت توحید و معارف الهی در برپایی عملی حکومت اسلامی بیشتر روشن شود. در ادامه، پیامدهای برپایی حکومت توحیدی و حاکمیت توحید در حوزه‌های متفاوت جامعه تشریح خواهد شد. (بیانات رهبری در دیدار مردم

اصفهان، ۸/۸/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/3091>)

تأثیر اعتقاد توحیدی در حاکمیت اقتصادی

در تمدن اسلامی، بر خلاف سایر تمدن‌های غیر دینی، تمام شئون و اطوار و مناسبات مردم باید تمایل و گرایش توحیدی داشته باشد و جلوه‌های گوناگون آفرینش بدون توحید و نگاه توحیدی در نگاه آحاد جامعه اسلامی ارزش چندانی ندارد. یکی از ساز و کارهای رفع نیازهای بشر در تمام جوامع، نظام اقتصادی و داد و ستد انسان‌ها برای رفع نیازهای روزمره است. یکی از برجسته‌ترین حوزه‌هایی که در تمدن اسلامی شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارد، حوزه اقتصاد است. مهم‌ترین تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر مکاتب اقتصادی در این است که اقتصاد اسلامی مبتنی بر وحی است؛ در حالی که نظریه‌پردازان اقتصاد سرمایه‌داری حول محورهای مطلوبیت، سود و رفاه بحث می‌کنند. انسان به عنوان مصرف‌کننده، به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت و به عنوان تولیدکننده به دنبال بهینه‌سازی تولید به هدف حداکثر کردن سود است. سود و مطلوبیت معنای محدود خود را (بر مبنای اصالت ماده) دارند. اقتصاد مبتنی بر توحید، در تمام مراحل فعالیت‌های اقتصادی مثل تولید، توزیع و مصرف، رفتار اجتماعی مردم را کنترل می‌کند و قرآن مرتب تذکر می‌دهد که انسان گرچه فاعل مختار است، ولی باید به این نکته توجه کند که همه عوامل زمینه-

ساز تولید را او در اختیارش گذاشته، مشیت او تعلق گرفته است تا وی از مواهب الهی برخوردار شود و بنابراین، در استفاده از این مواهب لازم است به او توجه داشته باشد، به آفریننده این نعمت ها بیندیشد و در مسیر او گام بردارد تا به کمال برسد. توجه به این مسئله بر انسان لازم است و این نگرش بر رفتار و کردارش، چه در تولید و چه در مصرف، تأثیر بسزایی دارد. (رجائی، ۱۶، ۱۳۸۲-۸)

نقش باور به توحید در رشد معنویت و تعالی جامعه

«توحید به معنی عام آن، مبدأ و مقصد انقلاب اسلامی است، اما در نظام سلطه و استکبار، جلوه‌های غیر خدایی، شیطانی و در بهترین حالت، جلوه‌های فریبنده مادی و لذت‌ساز، حاکم است. از همین رو، فریاد همه انبیای الهی این «وَالَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» (زمر/۱۷) بوده است. آرمان نهایی نظام اسلامی، «قرب الی الله» است، اما برای نیل به لقای الهی، حیات طیبه هم در ردیف مقصد قرار می‌گیرد و به تعبیر ویژه‌تر که در بیانیه آمده، تمدن نوین اسلامی هم در بخش مقصد قرار می‌گیرد. یکی از اهداف و برنامه‌های دین مبین اسلام، سعادت بشر در پرتو نگاه معنویت‌گرایانه است. بر خلاف نظریه‌های سعادت‌گرایانه فیلسوفان غربی درباره سعادت انسان و دیدگاه‌های کسانی چون افلاطون تا هابز و راولز که سعادت را مبتنی بر اومانیسم و منحصر به بعد مادی وجود انسان و این جهانی می‌دانستند». (واعظی، ۱۳۸۲، صص ۳۳-۳۴).

«با توجه به اینکه در انقلاب اسلامی ایران، مبانی و اصول، مبتنی بر مکتب الهی و جهان بینی اسلامی است، معنویت اساس تمام روابط انسانی و اجتماعی و بنیان نهادهای اجتماعی است. علت این امر این است که بین مؤلفه‌های کارآمدی نظام با معنویت‌گرایی و سعادت طلبی، ارتباط عمیقی وجود دارد و هرچه مدیران نظام اسلامی در ساحت- های گوناگون، الهی‌تر، معنویت‌گراتر، ارزشی‌تر، رئوف‌تر و دارای شرح صدر بیشتری باشند، در مدیریت و پیویاسازی نظام تولید و توسعه ثروت‌های مادی و معنوی جامعه موفق‌ترند». (درودگر، ۱۳۸۲، ۵۷). مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در جامعه را یکی از معجزات انقلاب اسلامی به طور اعم، و اعتقاد به توحید را به طور اخص می‌دانند. «انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه، به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از همه چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت، صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان، استاد، دانشجو، و مرد و زن و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری

و پیاده‌روی زیارت و مراسم و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا، به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا به امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت تر شده است». (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>).

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) حکومت و حاکمیت اسلامی را از بارزترین خصائص نظام اسلامی به شمار آورده‌اند و بر این باورند که در منظومه فکری اسلام، حکومتی مطلوب است که صاحبان قدرت آن، پرهیزگاران در صدد اجرای عدالت و در جستجوی حقیقت‌اند. (بیانات رهبری در تنفیذ حکم رئیس جمهوری سیدمحمد خاتمی، ۱۲/۵/۱۳۸۴، <https://khl.ink/f/3300>).

ضرورت تشکیل دولت اسلامی

از نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، در فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی)، دولت اسلامی سومین و مهم‌ترین گام در این فرآیند است که از نظر ایشان تاکنون شکل نگرفته است. از نظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، ایجاد دولت اسلامی، مصداق بیرونی و اصلی حاکمیت مبتنی بر توحید است. ایشان معتقدند بسط حکومت مبتنی بر مبانی توحیدی، بدون تشکیل دولت برآمده از این ایدئولوژی بی‌معنی است. ایشان در این رابطه معتقدند: «انقلاب که تحقق یافت، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما، نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، یه جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی». «قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود که این هم شد». شکی نیست که تشکیل حکومت اسلامی، اعم از دولت اسلامی است، اما در تعریف مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، منظور از دولت اسلامی، دولت به معنای هیأت وزیران نیست، بلکه به معنای مجموعه کارگزاران حکومت اسلامی است. ایشان در این باره معتقدند: «تشکیل دولت اسلامی به معنای حاکمان و کارگزاران، در گروه تطبیق دولتمردان با معیارهای ضوابط و شرایط متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است. در حاکمیت اسلامی، این افراد باید بر سر کار قرار بگیرند و اگر چنانچه این شرایط را ندارند، در جهت کمال و رشد خویش حرکت کنند.» «برای آنکه این مقصود، یعنی حاکمیت اسلامی مبتنی بر توحید در کشور محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل، اسلامی عمل کند که من چند سال قبل عرض کردم که مرحله بعد از نظام اسلامی، دولت و

حاکمیت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسئولان مؤمن، وزای خوب، نمایندگان، رؤسای جمهور و دیگر عناصر حکومت اسلامی یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند، اما دولت اسلامی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند؛ دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، بی اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امام علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه، همه اینها وجود دارد». (همان)

شاخصه امامت و مهدویت در بیانیه گام دوم

شاخصه امامت در بیانیه گام دوم

امامت و مهدویت نیز همانند توحید، به عنوان مبانی کلامی مورد عنایت مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم انقلاب قرار گرفته است. «بحث امامت از دیرباز، یکی از مهم‌ترین مباحث کلامی و مورد مناقشه بین فرقه‌های مختلف دین اسلام بوده است و «امامت یکی از مسائل بسیار مهم، اساسی و سرنوشت‌ساز است که سعادت دنیا و آخرت در گرو آن است. مبحث امامت نقطه اصلی اختلاف میان شیعه و سنی است و اعتقاد به امامت وجه تمایز شیعه از تمامی مذاهب اسلامی است. بررسی مسئله امامت و امر تعیین امام برای هر مسلمان ضروریست و می‌بایست به دور از هرگونه تعصب، تحقیق شود و پس از تشخیص مذهب حق، از آن پیروی و حمایت نماید. البته باید مصلحت کلی جهان اسلام در برابر کفار حفظ گردد، در عین حال نباید حفظ وحدت و هماهنگی مسلمانان مانع از تحقیق و تلاش سالم و سازنده در راه شناخت مذهب حق و بررسی مسائل امامت گردد». (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۲۹۶).

«شیعیان معتقدند که امامت، منصبی الهی است، و باید از طرف خداوند تعیین گردد و خداوند این کار را انجام داده و به وسیله پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مردم ابلاغ نموده، و حضرت علی (علیه‌السلام) و سپس یازده نفر از فرزندان او به امامت منصوب شده‌اند، اما اهل سنت معتقدند، امامت الهی نیز مانند نبوت و رسالت با رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خاتمه یافته، و از آن پس تعیین امام در اختیار مردم است، و حتی برخی بزرگان اهل سنت تصریح کرده‌اند که اگر کسی با زور و اسلحه بر مردم تسلط یافت، همان امام است و اطاعت وی بر دیگران لازم است، و روشن است که این نظریه تا چه حد خطرناک و زمینه‌ساز سوء استفاده جباران و قدرت طلبان خواهد بود و جهان اسلام را با انحطاط مواجه خواهد کرد». (همان)

مقام معظم رهبری (حفظه الله)، مسئله امامت را به دلیل حساسیت آن در رهبری و هدایت جامعه بسیار با اهمیت می‌داند و تاثیر آن را بر تمام شئون جامعه و مردم غیر قابل انکار می‌داند و در این باره می‌فرماید: «اندیشه سیاسی و کلامی شیعه در کیفیت هدایت جامعه تا روز قیامت بر نظام امامت استوار شده است و در مکتب اهل بیت، امامت، استمرار نبوت بوده و امامان معصوم تمام شئونات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) غیر از شأن نبوت و حامل شریعت بودن، را دارند و به مقتضای «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» همانند آن حضرت بر همگان ولایت مطلق دارند و بر این اساس، مشروعیت هرگونه تصرفات ولایی و حکومتی سائرین، منوط به تأیید و اذن امام است و از این رهگذر است که مسئله رهبری جامعه در زمان غیبت، موطن خود را در ساختار نیابت فقها پیدا کرده و بدین ترتیب جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی جوامع اسلامی نقش می‌بندد بدین معنا که در زمان غیبت اگر چه مردم از حضور ظاهری معصوم و ویژگی‌های انحصاری او محروم‌اند، اما با تعیین و تأیید نواب عام از سوی خود امام معصوم (علیه السلام)، اذن ولایت و رهبری و تصرف در امور دینی و سیاسی جامعه به فقهای جامع الشرایط اعطا شده است تا در ساختار نیابت از امام، به رهبری جامعه و تدبیر امور بپردازند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>)

شاخصه مهدویت در بیانیه گام دوم

از یک نگاه، شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین هدف از صدور بیانیه گام دوم انقلاب، تبیین و تشریح شرایط و ویژگی‌های یک جامعه آرمانی و آخرالزمانی است. جامعه‌ای که در نهایت بتواند شرایط ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) را آماده سازد. در این میان، یکی از مسئولیت‌های اساسی رهبران جامعه اسلامی این است جامعه را به لحاظ فرهنگی، فکری و ذهنی آماده پذیرش این جامعه آرمانی کنند. یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های این آماده‌سازی تبیین شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه آخرالزمانی است. شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین دستاورد بیانیه گام دوم انقلاب این است که، انقلاب اسلامی را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک خواهد کرد. در این سند با ترسیم چشم انداز آینده کشور و ماموریت‌های مترتب بر آنها، محورهای راهبردی «جهاد بزرگ برای ساختن ایران» با تاکید بر حضور فعال و اثربخش جوانان تعریف شده است. (همان)

مهدویت و حاکمیت اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری (حفظه الله) اعتقاد ادیان مختلف به ظهور منجی و اعتقاد مسلمانان به اصل مهدویت، وجود مقدس حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه) را وارث انبیا و مصلحان و ادامه‌دهنده سلسله داعیان الهی می‌داند:

انتظار فرج، علاوه بر این که به معنای گذرا بودن وضعیت ظلم و جور کنونی دنیا و در نهایت استقرار حکومت عدل الهی است، به مسلمانان می آموزد در زندگی فردی و اجتماعی هیچ بن بستنی وجود ندارد و نباید یأس بر زندگی انسان حاکم شود. (بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین «علیه السلام»، ۳۰/۲/۹۴، <https://khl.ink/f/29792>).

ایشان یکی از فواید عملی اعتقاد به مهدویت را اصلاح آحاد مردم و به تبع آن اصلاح جامعه می دانند و این سیر را زمینه ساز ایجاد حکومت وعده داده شده از سوی پروردگار می دانند. ایشان در یکی از سخنرانی ها، در این باره می فرمایند: «اولین درس عملی موضوع مهدویت این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسل های بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمی شود کاری کرد. انسان های مایوس نمی توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان ها را وادار به کار و حرکت می کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)، دلها را سرشار از نور امید می کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) هستیم، این یأسی که گریبان گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی معناست. ما می گوئیم نخیر، می شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان پذیر است، بلکه حتمی است». ایشان درباره ضرورت حکومت اسلامی می فرمایند: «حکومت آینده حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان ها و اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی کند؛ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می بخشد و یک حکومت صد در صد مردمی تشکیل می دهد». (همان)

شاخصه عدالت در بیانیه گام دوم

«عدالت از مفاهیم بنیادینی بوده که همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل، از سوی خدای متعال بواسطه انبیا (صلوات الله علیهم) نازل گشته اند. مهم ترین دغدغه پیام آوران الهی بعد از شناخت خداوند و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و بسط عدالت بوده است. دین اسلام نیز به عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را در سرلوحه اهداف خود قرار داده است. برخی دانشمندان علم لغت، واژه عدالت را به معنای «مساوات و برابری» می دانند». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۲۵). «و برخی آن را به معنای استقامت، یعنی «راست و موزون بودن» دانسته اند». (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۴، ۱۱۰) مفهوم عدالت در علم اخلاق نیز به معنای لغوی آن باز می گردد.

«عدالت از مسائل فطری انسانی و یکی از اصول مذهب تشیع و به معنای نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق دیگران، موزون بودن و رعایت استحقاق‌هاست». (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۲۲).

مفهوم عدالت اجتماعی در تئوری انقلاب اسلامی

مبدأ ابتدایی طرح مبحث عدالت به طور اعم و عدالت اجتماعی به طور اخص، در جامعه اسلامی، در درجه اول قرآن کریم است. «قرآن کریم است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آبیاری کرد و دغدغه آن را چه از نظر فکری و فلسفی و چه از نظر عملی و اجتماعی، در روح‌ها ایجاد کرد. این قرآن کریم است که مسئله عدل و ظلم را در چهره‌های گوناگونش همچون عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی طرح کرد. قرآن کریم تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن و بر اساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها است. قرآن کریم است که عدل را ترازوی خدا در امر آفرینش می‌داند و می‌فرماید: (و السماء رفعها و وضع المیزان). (الرحمن/ ۷) «چگونه ممکن است مسئله‌ای که تا این پایه در قرآن کریم بدان اهمیت داده شده که هم جهان بینی است و هم معیار شناخت قانون و هم ملاک شایستگی زعامت و رهبری و هم آرمان انسانی و هم مسئولیتی اجتماعی، مسلمین با آن عنایت شدید و حساسیت فراوانی که به قرآن داشتند نسبت به آن بی‌تفاوت بمانند. علت اصلی راه یافتن این اصل در کلام و در حوزه‌های اسلامی دیگر، بلاشک قرآن کریم بود». (مطهری، ۱۳۹۰، ۳۸).

«عدالت عبارت است از این که استحقاق و حقی را که بشر به موجب خلقت و به سبب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود و نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فردی که در شرایط مساوی قرار دارند یک موهبتی را از یکی دریغ‌دارند و از دیگری دریغ‌دارند». (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۳۴).

«از آنجا که فروع دین همواره پرتوی از اصول دین است، و پرتو عدالت پروردگار در جامعه بشری فوق‌العاده مؤثر است، و مهم‌ترین پایه جامعه انسانی را عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد، انتخاب اصل عدالت به عنوان یک اصل از اصول دین، رمزی است برای احیای عدل در جوامع بشری و مبارزه با هر گونه ظلم و ستم. همان‌گونه که توحید ذات و صفات پروردگار و توحید عبادت و پرستش او، نور وحدت و یگانگی و اتحاد در جامعه انسانی می‌باشد و توحید صفوف را تقویت می‌کند. بنابراین، اصل عدالت پروردگار که حاکم بر کل جهان هستی است رمز و اشاره‌ای به لزوم عدالت در جامعه انسانی در تمام زمینه‌هاست، و همان‌گونه که عالم بزرگ آفرینش با عدالت برپاست، جامعه بشری نیز بدون آن پابرجا نخواهد ماند». (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱۶۱).

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تبیین مبارزه با فساد و اجرای عدالت به عنوان یکی از شاخص‌های مهم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست، که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/41673>).

عدالت مد نظر ایشان، مبتنی بر سه رکن اساسی است: «رکن اول، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد.» (بیانات رهبری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۱/۷، <http://khl.ink/f/23349>).

«رکن دوم، نیروی اجرا کننده این قوانین است، اگر قوانین عادلانه باشد، اما نیروی اجرا کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته‌ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند، همچنان که قرن‌هایی گذشت و قوانین اسلام در جامعه‌هایی که مسلمان‌ها در آن زندگی می‌کردند اجرا نشد، به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در رأس قوه اجرایی قرار می‌گیرد باید انسانی عادل باشد، با تقوا و مراقبت کامل و بر قوانین و اجرای آن نظارت کند.» (همان).

رکن سوم اجرای عدالت در جامعه از منظر ایشان، نظارت همگانی و فراگیر آحاد جامعه بر این فرآیند است. ایشان در این باره اظهار می‌دارند: «اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا بشود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان (علیه السلام)، با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابیطالب (علیه السلام) قرار داشت که عدل مجسم بود، در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل

تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت». (همان)

بحث عدالت و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی جامعه و رستگاری آن، به قدری است که اسلام یکی از شرایط اصلی رهبری جامعه را عدالت او دانسته است، زیرا مسئله عدالت علاوه بر ابعاد اجتماعی، در ابتدا یک مسئله درونی و فردی است و تا فرد نتواند در درون خود عدالت را به صورت ویژگی شخصی بپذیرد، نمی تواند در دنیای خارج و جامعه نیز در مسیر مساوات و عدالت حرکت کند و بدین ترتیب، ابتدایی ترین شرط رهبری جامعه را از دست می- دهد. (همان)

نتیجه گیری

مهم ترین نکته در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بحث مربوط به «توحید» است. از آنجا که دین مبین اسلام و ادیانی که از سوی خداوند متعال آمده اند، هدف اصلی آنها توجه دادن به خداوند، عبادت کردن خداوند و یکی دانستن خداوند است، و به تبع آن، از آنجا که جمهوری اسلامی ایران با عنوان اسلامی و با تأکید بر توجه و توکل به خداوند متعال شکل گرفته، و همین طور که بارها در فرمایشات مراجع معظم تقلید (دامت توفیقاتهم)، امام خمینی (رحمت الله- علیه) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) و در وصیت نامه های شهدا و فرمایشاتی که اینارگران محترم داشتند، هدف اصلی همه اینها اسلام، توحید و رسیدن به خداوند متعال، پیاده سازی اعتقاد به توحید در همه عرصه های کشور و زندگی؛ چه در عرصه سیاسی، چه در عرصه اقتصادی، چه در عرصه اجتماعی، چه در عرصه علمی، چه در عرصه فرهنگی، چه در عرصه هنری و... بوده است. همان طور که هدف انبیا و ائمه (صلوات الله علیهم) تحقق توحید و یکتاپرستی است، هدف اصلی و نهایی حکومت مهدوی نیز همین است. اگر در منظومه فکری مقام معظم رهبری (حفظه الله) دقت کنیم، یکی از مهم ترین تفکرات ایشان، بحث توحید و یگانه پرستی است. بنابراین هدف اصلی حکومت، رسیدن به توحید واقعی است و یکی از نکاتی که به عنوان روح این بیانیه؛ چه در ابتدا، چه در انتها و چه در بطن آن وجود دارد، توحید است. نکته دیگر در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بحث مربوط به «امامت» است. به تعبیر علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)؛ تمامی سفارشات که در دین مبین اسلام اعم از احکام، اخلاق، اصول، فروع و... که وجود دارد، به اصل توحید بازگشت می کنند، اما رسیدن به توحید چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، نیاز به تبیین از طرف پیامبران و ائمه (صلوات الله علیهم) دارد. بنابراین ولی فقیه نیز که نیابت عام از طرف امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) دارند، ادامه همان مسیر پیامبران و امامان (صلوات الله علیهم) در جهت تبیین توحید است. نکته دیگر در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بحث مربوط به «مهدویت» است. در بیانیه گام دوم انقلاب و در بحث

امامت، به دلیل اهمیت موضوع مهدویت، این بحث به طور خاص مطرح شده که از مبانی اعتقادی این بیانیه است. امام خمینی (رحمت الله علیه) بعد از تصویب جمهوری اسلامی ایران فرمودند: ما منتظر رویت خورشیدیم و ان شاء الله هدف اصلی از جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به ظهور و زمینه سازی برای حضور موعود و مصلح کل؛ یعنی همان امام معصوم (علیه السلام) عالم به گذشته و آینده است. اعتقاد به مهدویت در زندگی مقام معظم رهبری (حفظه الله) و در سخنرانی های ایشان، بسیار عمیق است و به طور دائم همگان را به بحث مهدویت و اهمیت آن، توجه می دهند و در این بیانیه نیز هدف از گام هایی که در انقلاب اسلامی برداشته می شود، در نهایت، رسیدن به مهدویت و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است که خود ایشان، توسل ویژه ای به حضرت دارند و پیگیر این موضوع هستند. مبحث عدالت به طور اعم و عدالت اجتماعی به طور اخص، در جامعه اسلامی، در درجه اول قرآن کریم است. مفهوم عدالت اجتماعی در تئوری انقلاب اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است و مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تبیین مبارزه با فساد و اجرای عدالت به عنوان یکی از شاخص های مهم انقلاب اسلامی بسیار تاکید دارند.

منابع

قرآن کریم

کتاب های فارسی

- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، «کلام نوین اسلامی»، ج ۱، قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «لغت نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۱)، «الالهیات»، ج ۲، ج ۳، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- مصباح یزدی (رحمت الله علیه)، محمدتقی، (۱۳۷۸)، «معارف قرآن، خداشناسی، انسان شناسی، کیهان شناسی»، ج ۳، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، «فرهنگ معین»، ج ۲، تهران: انتشارات زرین، نگارستان کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، «اسلام و مقتضیات زمان»، ج ۱۲، تهران: انتشارات صدرا.
- _____، (۱۳۷۸)، «فطرت»، ج ۱۴، تهران: انتشارات صدرا.
- _____، (۱۳۹۰)، «مجموعه آثار»، ج ۲۴، تهران: انتشارات صدرا.

کتاب های عربی

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰ق)، «لسان العرب»، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۹۱)، «تاریخ ابن خلدون»، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
ایچی، عضدالدین، (۱۳۹۳)، «المواقف»، ج ۲، قم: انتشارات شریف الرضی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، «المفردات فی غریب القرآن»، دمشق: الدارالشامیه.
ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۳۴)، «محاضرات فی الالهیات»، (جعفر سبحانی)، تلخیص، قم: انتشارات جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم.

مقالات

دروودگر، محمدجواد، (۱۳۸۲)، «نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی،
س ۱۲. ش ۲.

رجائی، سید محمدکاظم، (۱۳۸۲)، «قرآن و تجلی توحید در اقتصاد»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، ش ۶۶.

شاهدی، غفار، (۱۳۸۳)، «توحید و حکومت دینی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳۱.

مردانی، محمدحسین، «کلام چیست و متکلم کیست؟»، ۱۳۸۳، ش ۵۱، مجله کلام اسلامی.

واعظی، احمد، (۱۳۸۲)، «اسلام و لیبرالیسم»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۶، تابستان، ش ۲۲.

سایت ها

(<https://khl.ink/f/41673>، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)

(<https://khl.ink/f/3091>، ۱۳۸۰/۸/۸، بیانات رهبری در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۸۰)

(<https://khl.ink/f/3300>، ۱۳۸۴/۵/۱۲، بیانات رهبری در تنفیذ حکم ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، ۱۳۸۴)

(بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین «علیه السلام»

(<https://khl.ink/f/29792>، ۱۳۹۴/۲/۳۰)

(<http://khl.ink/f/23349>، ۱۳۶۰/۱/۷، بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰)